



Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

هفت و هشت ثور، آغاز و ادامه خونریزی در افغانستان

شهر هاگ ۲۷ اپریل ۲۰۱۴

هفت ثور را ملت افغان به اکثریت نزدیک به اتفاق آرا بحیث یکی از فجایع بزرگ تاریخ معاصر افغانستان، از نخستین ماه های بعد از وقوع این فاجعه، محکوم نموده در برابر آن قیام کرد. پیامدهای سانحه بارهفت ثور و دنباله آن یعنی اشغال کشور درشش جدی ۱۳۵۸ محدود به کشتار میلیونی، مهاجرت میلیونی، معلولیت نیم میلیون انسان، فروپاشی نظام ملی و از بین رفتن تاسیسات زیربنایی بوده است. هشت ثور و طالبانیزه شدن افغانستان نیز پیامدهای نا میمون هفت ثوراند.

مردم از حکومتی که محصول به پیروزی رسیدن جهاد ضد شوروی بود انتظار دیگری داشتند. ولی بزودی بعد از ۸ ثور ۱۳۷۱ متوجه شدند که دکانداران سیاسی که درپشاور، مشهد و تهران مستقر بوده و حالا برسرنوشت شان حاکم ساخته شده اند، از نوع مجاهدین واقعی راه استقلال افغانستان نبوده بلکه عناصری اند که بخاطر پول و قدرت خود را به استخبارات ممالک بیگانه فروخته اند و هرتنظیم خواستار کسب انحصاری قدرت دولتی میباشد. عده زیادی از مجاهدین و قوماندانهای محلی که هدف شان از جهاد امتیاز طلبی نبود، از اشتراک در جنگ قدرت ابا ورزیده به زندگی عادی خویش برگشتند. آناتیکه به استفاده از اسلحه بعنوان وسیله امرارمعاش خوگرفته بودند، بعد از هشت ثور در پهلوی رهبران تنظیمی قرار گرفتند و به راکتپرائی پرداخته یا به اشکال دیگر در ویرانگریها و خونریزیهای سالهای ۱۳۷۱-۱۳۷۵ شریک شدند. عملکرد بعد از کسب قدرت تنظیمها بخصوص در شهر کابل به اکثریت مردم افغانستان کمک کرد تا در ظرف چند ماه هویت اصلی رهبران تنظیمی را شناخته و برای خلاصی از شر آنها حتی در برابر آمد آمد گروه نا شناخته طالبان از خود مقاومتی نشان ندهند. پروژه طالبان بعد از انحراف از اهدافی که به خاطر آن طرح شده بود، جای خود را برای بقدرت رسیدن مجدد رهبران تنظیمی تحت رهبری حامد کرزی وزیر چتر حمایتی ایالت متحده و متحدینش خالی ساخت.

در حالیکه هشت ثور سیاه ترین خاطرات سالهای بریادی کابل را در ذهن مردم افغانستان تداعی میکند، از سال ۱۳۸۱ بدینسو این روز رخصتی عمومی بوده بعنوان روز "ملی" توسط حلقات حاکم تجلیل میگردد. در بیرون از ارگ هیچکس احساس نمیکند که جشنی در میان باشد. صرف نظر از موقع حلقات حاکم در مورد هشت ثور، مردم ما هفت و هشت ثور هر دو را روز ماتم و بیاد آور خاطرات خونریزی و تخریب کورشان میدانند. هشت ثور حتی برای بسیاری از اعضای تنظیمها نیز جشن تلقی نمیکرد زیرا آنها طی ده سال اخیر، آخرین ذرات اعتمادشان را به رهبرانی که پول و قدرت را صرف برای خود و خانواده خود میخواستند، از دست داده اند. انتخابات ریاست جمهوری سال جاری به همه نواقص آن، میزان خوبی برای درجه محبوبیت رهبران تنظیمها در کشور بود. "امیرنادر هرات" و "شیخ الحدیث" حتی با پولهای امارات جمعاً بیش از هفت فیصد آرا را بدست آورده نتوانستند. حزب اسلامی حکمتیار با تمام قوا کوشید ولی به بیش از دو فیصد آرا دست نیافت. پیروزی بلاک بزرگ به اصطلاح "باتکهای رای" که از امکانات افسانوی برخوردارند، نتوانست در دور اول پیروز شود. این نتایج باید برای خود ایشان و امثال شان ثابت سازد که دیگر نباید به خود حق نمایندگی از مردم افغانستان را بدهند. در دور گذشته انتخابات ریاست جمهوری آقای حبیب منگل، یکتا از رهبران حزب "دموکراتیک خلق" نیز با این تصور واهی که گویا مردم حالا خواستار بازگشت پرچمیها اند، بخت خود را آزمود ولی بیشتر از یک فیصد آرا را بدست آورده نتوانست. این اعلام موضع مردم افغانستان برای تشنه گان قدرت هفت ثوری و هشت ثوری است. مردم بدینوسیله به ایشان اعلام میدارد: شما در دوران قدرت تان بی کفایتی مطلق تان را ثابت ساختید. وطن را ویران و تحت اشغال و ملت را غرقه در خون و ماتم دار ساختید. ما به شما چانس دوم نمیدهم. لطفاً ما را آرام بگذارید و بعبوض سیاست به کار دیگری بپردازید!

"کمیته حقوق بشر فارو"